

سیر نگار شهای علوم قرآنی

قسمت پنجم

محمد علی مهدوی راد



قرن هفتم

گزارش نگاشته های علوم قرآنی این قرن را با یادکرد آثار و نگاشته های متکلم و مفسر بلندآوازه، محمد بن عمر بن الحسین بن علی، مشهور به «فخرالدین رازی» (م ۶۰۶) آغاز می کنیم. او افزون بر تفسیر عظیمی که نگاشت و به «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر فخر رازی» مشهور است و آکنده است از مباحث مهم علوم قرآنی، کتاب هایی در علوم قرآنی نیز رقم زد که مهم ترین آن ها «نهاية الأیجاز الی درایة الأعجاز» است. فخرالدین رازی در این کتاب دو اثر ارزشمند عبدالقاهر جرجانی «اسرار البلاغه» و «اعجاز القرآن» را، درهم آمیخته و با پیرایش و آرایش در قالب کتابی در اعجاز قرآن پرداخته است.^۱ رازی از این کتاب در تفسیرش یاد کرده است و آن را «دلائل الاعجاز» نامیده و گفته است: «هرکسی در کتاب ما «دلائل الأعجاز» به ژرفی بنگرد، در خواهد یافت که قرآن در تمام ابعاد فصاحت فراز مندترین است.^۲»

«نهاية الأعجاز ودرایة الأیجاز» بارها به چاپ رسیده است. دکتر بکری امین نیز آن را براساس چهار نسخه صحیح و تحقیق کرده و در ضمن مقدمه ای درازدامن و سودمند، درباره فخر رازی، آثار وی و اهمیت این کتاب سخن گفته است.^۳ به فخرالدین رازی در علوم قرآنی کتاب هایی با عناوین «اسئلة القرآن»، «البرهان فی قرائة القرآن»،

«رسالة فی معانی المتشابهات» نسبت داده اند.^۴ نیز کتابی با عنوان «اسرار التنزیل و انوار التأویل»^۵ که این کتاب مجموعه‌ای است مشتمل بر برخی از دانش‌های قرآنی و نه علوم قرآنی مصطلح. نیز کتابی با عنوان «درة التنزیل و غرة التأویل»^۶ که پیشتر آوردیم، از آن راغب اصفهانی است، نه از آن فخرالدین رازی و نه خطیب اسکافی.

ابوالفتح ناصرین عبدالسیدین علی مطرزی خوارزمی (م ۶۱۰) از ادیبان و نحویان چیره دست خوارزم، کتابی نگاشت با عنوان «رسالة فی بیان الأعجاز فی سورة قل یا ایها الکافرون»^۷. مطرزی را به وسعت اطلاع در لغت و شعر و نحو ستوده‌اند. او از اعتزالیان سختکوش و استوار در اعتزال بود و پس از زمخشری وی را جانشین او تلقی می‌کردند. ابن خلکان، از او به عنوان پیشوای اعتزالیان و یکی از داعیان به اعتزال یاد کرده و جایگاه او را در فقه ستوده است.^۸ به سال ۶۰۱ به بغداد رفته و در آن دیار با فقیهان و اهل ادب گفت‌وگو و مباحثه داشته است.^۹

محب‌الدین ابوالبقاء عبدالله بن حسین عکبری بغدادی (م ۶۱۶) از عالمان، ادیبان و فقیهان این روزگار است که در علوم قرآنی، آثار چندی رقم زده است. او در کودکی فروغ دیده را از دست داد، اما همت فراگیری دانش را از دست نهشت. آورده‌اند که همسرش کتاب‌ها را بر وی می‌خواند و او مطالب را بر گنجینه حافظه می‌سپرد و آن‌گاه املاء می‌کرد و شاگردانش می‌نگاشتند.^{۱۰} «املاء ما من به الرحمن من وجوه الأعراب والقراءات فی جمیع القرآن»^{۱۱} وی از جمله بهترین و دقیق‌ترین نگاشته‌های این موضوع است که گاهی از آن به «التبیین فی اعراب القرآن» نیز یاد می‌شود. از آثار دیگر وی در علوم قرآنی است: «عدّ آی القرآن»، «کتاب فی القرآن و تقسیمه الی أجزاء و اعشار»، «اعراب الشواذ من القراءات» و «متشابهات القرآن»^{۱۲}.

ادیب و محدث اندلسی، محمدبن احمدبن سلیمان زهری (م ۶۱۷) کتابی نگاشت با عنوان «اللبیان فیما أبهم من الأسماء فی القرآن». زهری اندلسی از عالمانی است که در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی آگاهی‌های شایسته‌ای دارد و آثار مهمی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته است. او در جهت تعمیم و تعمیق آموخته‌هایش شهرهای بسیاری را درنور دیده است و از محضر عالمان و محدثان بسیاری دانش اندوخته است.^{۱۳} در این قرن، ابو محمد موفق‌الدین، عبدالله بن محمدبن قدامه مقدسی (م ۶۲۰) از فقیهان نامور حنبلی و صاحب «المغنی» در فقه حنبلی، کتابی نگاشت با عنوان «البرهان

فی مسائل القرآن». محققان «البرهان فی علوم القرآن» از آن با عنوان «البرهان فی بیان القرآن» یاد کرده‌اند و آن را در شمار کتاب‌های اعجاز قرآنی وارد کرده‌اند^{۱۴}، ولی بعید می‌نماید که مقدسی از «بیان»، «بیان» بلاغت را مراد کرده باشد. عمر رضا کحاله آن را با عنوان «البیان فی حقیقة القرآن» یاد کرده است^{۱۵} که معلوم می‌شود این کتاب پیوندی با بحث‌های اعجاز قرآنی ندارد، ولی در شمار کتاب‌های علوم قرآنی تواند بود. ابن قدامه در فراگیری دانش سختکوش و در گسترش دانش نیز چنان بود. آثار فراوان و سودمندی از خود برجای نهاده است که همه نشانگر وسعت اطلاع و سختکوشی او در فراگیری و فرادهی دانش است^{۱۶}.

فخرالدین محمد بن ابوالفرج بن معالی موصلی (م ۶۲۱) از فقیهان، ادیبان و قاریان موصل در این قرن، کتاب «نبذة المرید فی علم التجوید»^{۱۷} را نگاشت. آورده‌اند که او فقیهی چیره‌دست و فاضلی برجسته و نیکوکللام بود که از موصل به بغداد رفت و در آن دیار به جایگاه بلندی از دانش دست یافت^{۱۸}.

مهدب الدین محمد بن علی بن علی، مشهور به ابن الخیمی (م ۶۴۲) از ادیبان و بلیغان و شاعران قرن هفتم است. او را به پیشوایی در لغت، تألیف قرآوان و کمال در ادب عربی ستوده‌اند^{۱۹}. او کتابی پرداخت با عنوان «امثال القرآن» و کتابی با عنوان «حروف القرآن». تألیفات وی را نیکو دانسته و شیوه نگارش او را ستوده‌اند^{۲۰}.

در این قرن حسین بن ابی العزب رشید الهمدانی، مشهور به منتجب (م ۶۴۳) کتابی نگاشت با عنوان «الفرید فی اعراب القرآن المجید». منتجب در دانش قرائت و ادب عرب پیشتاز بود. او را به صلاح و سداد و فروتنی و ساده‌زیستی ستوده‌اند^{۲۱}.

کتاب «الفرید...» از جمله آثار مهم این دانش است که افزون بر تبیین و توضیح اعراب و واژه‌های آیات و چگونگی آن، گاه به تفسیر آیات نیز پرداخته و معانی لغوی آن را به دقت برنموده است. الفرید را آقایان فهمی حسین نمر و فؤاد علی مخیمر با تحقیقی دقیق و حواشی سودمند در چهار جلد عرضه کرده‌اند^{۲۲} و در ضمن مقدمه‌ای درازدامن از روزگار مؤلف، شیوه وی در تدوین کتاب، شرح حال و آثار مؤلف و جز آن سخن گفته‌اند.

منتجب همدانی افزون بر این کتاب، قصیده مشهور شاطبی را در قرائت نیز با عنوان «الدرة الفریده فی شرح القصیده» شرح کرده است^{۲۳}.

در این قرن باید یاد کنیم از ابوالحسن علی بن محمد سخاوی (م ۶۴۳) از متکلمان، ادیبان، مفسران و فقیهان شافعی که آثار ارجمندی در علوم قرآنی سامان داده است. پیشتر از شاطبی دانشور بلندآوازه‌ای که در علوم قرآنی آثار مهمی نگاشته است یاد کردیم^{۲۳}. از جمله آثار او کتابی است با عنوان «عقيلة أتراب القصاصد فی أسنی المقاصد» مشهور به «الرائیه فی الرسم» در رسم الخط قرآنی، این قصیده را سخاوی با عنوان «الوسیله الی کشف العقیله» شرح کرده است^{۲۵}. «هدایة المرتاب و غایة الحفاظ والطلاب فی متشابه الکتاب» وی که آن را در قالب ارجوزه‌ای پرداخته است و درباره متشابهات قرآن بحث می‌کند، بارها چاپ شده است. این کتاب را عبدالله شریف مصری، از عالمان قرن دوازدهم هجری شرح کرده است^{۲۶}. «جمال القراء و کمال الأقرء» نیز از آثار سخاوی است و در دانش قرائت مشهور؛ که به سال ۱۴۰۸ با تحقیق دکتر علی حسین بواب و به همت مکتبه التراث، مکه المکرمة نشر یافته است^{۲۷}. «عمدة المفید و عدة المجید فی معرفة لفظ التجوید» نیز در علوم قرآن است که سخاوی آن را در قالب قصیده‌ای با شصت و چهار بیت پرداخته و آن را به تفصیل شرح کرده است^{۲۸}.

در این قرن باید از کمال الدین عبدالواحد بن عبدالکریم زَمْلْکَانِی (م ۶۵۱) یاد کنیم. او با نگارش چندین اثر در وجوه زیباشناختی قرآن، گامهای ارجمندی در مباحث علوم قرآنی برگرفت. وی کتابی نگاشت با عنوان «التبیان فی علم البیان، المطلاع علی اعجاز القرآن». در این کتاب «دلائل الأعجاز» جرجانی را پیراست و آراست و در قالبی نو با افزونی‌هایی بسیار، برگرفته از منابع دیگر عرضه کرد. او براین باور بود که کتاب جرجانی آکنده است از دقایق معانی و باریک‌نگری‌های ادبی و بلاغی، اما اشمال آن بر تکرار و درهم‌آمیختگی مطالب و نداشتن تبویب و تنظیم درست از کارآمدی آن کاسته است. از این روی به تبویب و تفصیل دوباره آن همت گماشت و اثری منظم و استوار از آن پدید آورد^{۲۹}. «التبیان...» به تحقیق و تعلیق دکتر احمد مطلوب و دکتر خدیجه حدیثی به سال ۱۳۸۳ نشر یافته است^{۳۰}.

کتاب دیگر وی درباره قرآن و بلاغت و فصاحت و شیوه‌های بیانی مانند ناپذیر آن «البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن» است. زملکانی پس از آن که حقیقت «بیان» را باز می‌گوید، آراء عالمان را درباره اعجاز برمی‌شمرد و آن‌گاه ابعاد مانند ناپذیری بیانی قرآن را تبیین می‌کند. کتاب‌های زملکانی، از دقت و استواری شایسته‌ای برخوردارند،

از این رو عالمان پس از وی بدانها مراجعه کرده و از آن‌ها بهره برده‌اند. این کتاب نیز به همت محققان یادشده تصحیح و تحقیق شده و به سال ۱۳۹۴ در بغداد نشر یافته است.^{۳۱} به زملکانی کتاب دیگری نیز با عنوان «نهاية التأمیل فی اسرار التنزیل» نسبت داده‌اند. وی اثر دیگری دارد با عنوان «المجید فی اعجاز القرآن المجید»^{۳۲} که به تحقیق دکتر شعبان صلاح و به سال ۱۴۱۰ نشر یافته است.

زملکانی را به چیره دستی در دانش معانی و بیان و ذکاوت و تیزفهمی و سرعت انتقال و گستردگی در آگاهی‌های گونه‌گون ستوده‌اند.^{۳۳}

در این قرن عبدالعظیم بن عبدالواحد، زکی الدین، معروف به ابن ابی الأصعب (م ۶۵۴) یکی از بلندآوازان شعر و ادب روزگار ایوبیان^{۳۴}، گام بلندی در شناخت و شناساندن وجوه زیباشناختی و ابعاد بلاغی قرآن برگرفت. او ابتدا کتاب «تحریرالتحبیر فی صناعة الشعر والنثر و بیان اعجاز القرآن» را نگاشت. در این کتاب انواع فنون بدیعی و صنایع لفظی و معنوی را گزارش کرده و نمونه‌های شعری و نثری آن را آورده و آن‌گاه این همه را در آیات الهی نشان داده است.^{۳۵}، آنگاه تحریرالتحبیر را گزین کرد و آنچه را ویژه قرآن بود از آن برگرفت و «بدیع القرآن» را پرداخت. ابن ابی الأصعب «بدیع القرآن» را در صد و نه باب سامان داده است و در هر بابی یکی از انواع بدیع را آورده و نمونه‌های قرآنی آن را گزارش کرده است. «تحریرالتحبیر» را دکتر حفنی محمد شرف تحقیق کرده و به سال ۱۳۸۳ نشر یافته است. محقق در ضمن مقدمه‌ای، از کتاب، موضوع آن و چگونگی تصحیح و تحقیق سخن گفته است.

«بدیع القرآن» را نیز حفنی محمد شرف تحقیق کرده است.^{۳۶} دکتر حفنی بر «بدیع القرآن» مقدمه‌ای درازدامن و سودمند نگاشته است و در ضمن آن از واژه «بدیع»، سیر تطور معنای آن، «بدیع» در قرآن و پژوهش‌هایی که به این بحث درباره قرآن پرداخته‌اند، ابن ابی اصعب و آثار وی سخن گفته است. در منابع شرح حال نگاری و کتابشناسی، کتاب دیگری با عنوان «بیان البرهان فی اعجاز القرآن» به وی نسبت داده‌اند.^{۳۷} ظاهراً این اشتباه از مقدمه مؤلف بر «بدیع القرآن» ناشی شده است. دکتر حفنی که با دقت در مقدمه‌های دو کتاب یادشده از آثار وی سخن گفته، از این کتاب سخن به میان نیاورده است. ابن ابی الأصعب افزون بر آنچه یاد شد، کتابی دارد با عنوان «کتاب الأمثال» که از آن در «تحریرالتحبیر» یاد کرده است.^{۳۸} او در این کتاب نیز بخش مهمی را به «امثال قرآن»

اختصاص داده است. «کتاب الخواطر السوانح فی أسرار الفواتح» را نیز وی در تبیین نکته ها، رازها و رمزهای آغاز سوره های قرآنی نگاشته است. سیوطی در کتاب ارجمندی «الأتقان» از آن بهره گرفته است.^{۲۹} این کتاب را نیز حفنی محمد تحقیق کرده و به سال ۱۳۸۰ نشر داده است.^{۳۰}

محمد بن احمد بن محمد موصلی حنبلی (م ۶۵۶) از قرآن پژوهان این قرن، کتابی نگاشت با عنوان «یتیمۃ الدرر فی النزول و آیات السور». به موصلی کتابی دیگر نیز نسبت داده شده است با عنوان «ذات الرشد فی الخلاف بین اهل العدد» درباره شماره آیات قرآن، از این دو کتاب موصلی نسخه ای دست نویس موجود است.^{۳۱}

ابومحمد عبدالعزیز بن عبدالسلام، مشهور به «عز» از فقیهان و مفسران بزرگ شافعی (م ۶۶۰) کتابی نوشت با عنوان «الأشارة الی الأیجاز فی بعض انواع المجاز».^{۳۲} او بخش مهمی از این کتاب را به بحث از مجاز و اقسام آن ویژه ساخته است؛ و آن گاه آیاتی از قرآن کریم را براساس سوره ها برگزیده و نکات بلاغی آن را گزارش کرده است. عبدالعزیز را کتاب دیگری است در علوم قرآنی با عنوان «فوائد العزیز عبدالسلام» که از آن با عنوان «اعجاز القرآن»^{۳۳} نیز یاد شده است و نیز مجموعه ای با عنوان «مسائل وأجوبه فی علوم متعددة فی القرآن والحديث والفقہ». عبدالعزیز در دانش های گوناگون از فرهنگ اسلامی چیره دست بود و در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی قلم زده است.^{۳۴}

ابوبکر محمد بن احمد بن محمد (م ۶۶۲) معروف به (ابن سراقه) در این قرن کتابی نگاشت با عنوان «اعجاز القرآن»^{۳۵}. سیوطی در شمار کسانی که درباره اعجاز قرآن کتاب نوشته اند از ابن سراقه یاد کرده و دیدگاه وی را درباره اعجاز قرآن، گزارش کرده است.^{۳۶}

ابن سراقه از ادیبان و فقیهان مالکی مذهب قرن هفتم است. او را به گستردگی دانش و والایی شخصیت ستوده اند. ابن سراقه افزون بر آنچه یاد شد آثار دیگری نیز دارد، از جمله «ادب الشهود فی التصوف»، «الحیل الشرعیة» و...^{۳۷}

اکنون باید یاد کنیم از پیشوای عارفان و جمال سالکان، رضی الدین، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۶۴) و کتاب ارجمندی «سعد السعود». سید بن طاووس کتابخانه عظیمی داشته است آکنده از کتاب های گونه گون در موضوعات مختلف. وی ابتدا فهرستی از کتاب های کتابخانه اش را سامان می دهد با عنوان «الأبانه

فی معرفة اسماء کتب الخزانة» پس از آن طرحی پی می نهد دامن گستر برای فهرست موضوعی کتاب های کتابخانه و گزینشی از محتوای کتاب ها. گویا جز اولین مجلد آن مجموعه به قلم نیامده است که همین «سعدالسعود للنفوس المنضود من کتب وقف علی بن موسی بن طاووس» است. سعدالسعود در دو باب تدوین شده است، باب اول سی و نه صفحه از متن چاپی را فرامی گیرد که مشتمل است بر وصفها و نقل هایی از چند متن مقدس و تعدادی از مصاحف و... جزآن و باب دوم که حدود ۲۳۵ صفحه از کتاب را فراگرفته است، گزارش آثار و نگاشته هایی است در تفسیر قرآن کریم و علوم مرتبط با آن. این بخش بسیار مهم است و بسیاری از آنچه در این بخش یاد شده اینک در اختیار نیست. از جمله تفسیر قاضی عبدالجبار، تفسیر ابوعلی جبایی، تفسیر علی بن عیسی رمانی و کتاب مقدمات علم القرآن، ابوالحسن محمدبن بحر رهنی شیعی (زنده در قرن چهارم) که در دو موضع، دو بحث مهم در اختلاف قرائتها و از جمله حدیث «نزل القرآن علی سبعة احرف» و اختلاف مصحفها را از آن نقل کرده است.

به هر حال، سعدالسعود را باید از جمله کتاب های مهم علوم قرآنی به شمار آورد، زیرا آکنده است از آگاهی های شایسته در این زمینه. سعدالسعود سال های پیش در نجف اشرف نشر یافته است، اما نیازمند چاپی است منقح، دقیق با متنی استوار و فهارسی کارآمد.

سیدبن طاووس از عالمان، فقیهان، محدثان و زاهدان ارجمند قرن هفتم هجری است. آن پاکیزه خوی نیک سرشت، در صفای ضمیر و دلدادگی به حق کم نظیر بود. آن بزرگوار آثار ارجمند و گران قدری از خود برجای نهاده است. کتابخانه وی نیز مجموعه ای بوده است عظیم که در وصف آن، به فرزندش^{۲۸} می نویسد: این کتابخانه دارای کتاب های بسیاری درباره اصول دین، نبوت، امامت، زهد، فقه، تاریخ، تفسیر قرآن، دعا، انساب، طب، صرف، نحو، شعر، کیمیا، تعویذات رمل و نجوم است^{۲۹}.

شمس الدین عبدالرحمن بن اسماعیل مشهور به ابوشامه (م ۶۶۵) در این قرن کتاب ارجمند «المرشد الوجیز فیما یتعلق بالقرآن العزیز» را نگاشت. ابوشامه المرشد را در شش باب تدوین کرده و در این ابواب و فصول از چگونگی نزول قرآن و تلاوت و حفظ آن، جمع و تدوین قرآن، معنی «انزل القرآن علی سبعة احرف» قرائت و قرائتهای مشهور، فرق بین قرائتهای صحیح، قوی و شان، تأکید و تنبه برای فهم قرآن و علوم

قرآنی و آنچه مؤمن را سودمند افتد، هشدار به توجه بیش از حد و افراط در قرائت و آداب ظاهر آن... سخن گفته است.

«المرشد» را طیار آلتی قولاچ تحقیق کرده و منابع مطالب را نشان داده و فهرست های کارآمد برای آن تنظیم کرده است، به ویژه فهرست کتاب ها و منابع ابوشامه در نگارش «المرشد».

ابوشامه در بنان و بیان شرح حال نگاران، به گستردگی دانش و چیرگی بر دانش های روزگارش از کلام، فقه، اصول، تاریخ، تفسیر و علوم قرآنی شهره است.^{۵۰} او افزون بر «المرشد الوجیز» آثار دیگری نیز در علوم قرآنی رقم زده است، از جمله «ابراز المعانی من حرز المعانی ووجه النهانی فی القرائت»^{۵۱}، «تتمة البیان لما أشکل من متشابه القرآن».

محمد بن ابی بکر الرازی (م ۶۶۶)^{۵۲} در این قرن کتاب سودمند «اسئلة القرآن واجوبتها» را نگاشت، از این کتاب با عناوین «تفسیر الرازی» و «أنموذج جلیل فی أسئلة وأجوبه من غرائب آی التنزیل» نیز یاد شده است. این کتاب براساس ترتیب سوره ها تدوین یافته است. مؤلف به گونه پرسش، مشکلات آیات را مطرح می کند و در قالب پاسخ، به تبیین و توضیح می پردازد. این کتاب بر روی هم مشتمل بر بیش از هزار و دویست پرسش و پاسخ است. اسئلة القرآن را آقای ابراهیم عطا عوض، تصحیح کرده است و به سال ۱۳۸۱ نشر یافته است و پس از آن همین تحقیق با افزودن مقدمه ای در شرح حال مؤلف و نقد برخی از مطالب کتاب به سال ۱۳۹۰ در قم نشر یافته است. سپس آقای دکتر محمد رضوان دایه متن کتاب را با دو نسخه مقابله و تصحیح کرده و در پانوشته ها منابع روایات و اقوال را نشان داده است؛ این تحقیق به سال ۱۴۱۱ منتشر شده است.

در این قرن فقیه، ادیب و مفسر جلیل، جمال الدین احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس حلّی (م ۶۷۳) کتابی پرداخت با عنوان «شواهد القرآن» در دو مجلد.

وی در دقت نظر، استواراندیشی و گستردگی دانش کم نظیر بود. رجالی بزرگ شیعه ابن داود حلّی که در محضر وی شاگردی کرده می نویسد: «مسایل و مباحث دانش رجال، درایه و تفسیر را در حدّی که فراتر از آن تصور نشود، تحقیق و تدقیق کرد. از این کتاب وی شرح حال نگاران یاد کرده اند»^{۵۳}.

یحیی بن شرف بن مرئیس... دمشقی نووی شافعی (م ۶۷۷) از محدثان بلند آوازه اهل سنت و از شارحان مهم نگاشته های حدیثی در این قرن، کتابی پرداخت با عنوان «التبیین فی آداب حملة القرآن». نووی این کتاب را به انگیزه توجه دادن مسلمانان به حفظ، فهم، تعلیم و تعلم قرآن نگاشته است. وی کتاب را در ده باب سامان داده است و در ضمن این ابواب از فضیلت تلاوت قرآن و آداب تعلیم و تعلم آن و در لزوم ضبط دقیق واژگان قرآنی سخن گفته است. نووی خود گزینشی از آن فراهم آورده است با عنوان «مختار البیان»^{۵۲} و ابن عماد اقفهسی (م ۸۰۸) آن را به نظم کشیده است، با عنوان «تحفة الأخوان فی نظم التبیین فی آداب حملة القرآن»^{۵۵}. التبیین به سال ۱۴۰۵ به تحقیق منصور بن یعقوب در کویت نشر یافته است؛ و نیز به سال ۱۴۰۷ در بیروت و با تحقیق عبدالقادر أرناؤط^{۵۶}. نووی از محدثان و محققانی است که کارنامه ای بس پربرگ و بار دارد و شرح وی بر «صحیح مسلم» یکی از بهترین شرح های این کتاب است^{۵۷}.

حازم بن محمد قرطاجنی^{۵۸} (م ۶۸۴) از عالمان این قرن، کتابی پرداخت با عنوان «منهاج البلغاء وسراج الأدباء» و در ضمن آن به تفصیل از اعجاز قرآن سخن گفت. جلال الدین سیوطی در «الأتقان» از وی یاد کرده و دیدگاه او را در اعجاز گزارش کرده است^{۵۹}. قرطاجنی را در ادبیات، نظم، نثر و دانش عروض و بیان، یگانه روزگار دانسته اند^{۶۰}. برخی از نویسندگان به قرطاجنی کتابی در اعجاز قرآن نسبت داده اند با عنوان «البرهان القاصف عن اعجاز القرآن»^{۶۱}، اما برخی دیگر بر این باورند که او در این زمینه جز کتاب «منهاج البلغاء» را ندارد^{۶۲}؛ و این کتاب نیز همان است^{۶۳}.

و بالاخره باید یاد کنیم از ابن نقیب محمد بن سلیمان بن حسن، جمال الدین (م ۶۹۸) که کتاب «رسالة الآيات البیّنات فی تفسیر بعض آیات متشابهات القرآن الکریم» را نگاشت^{۶۴}. وی از عالمان و محققان و مفسران این قرن است که در دانش های گونه گون زبردست بوده است. او تفسیر بزرگی نیز داشته است که گفته اند به صد مجلد می رسیده است^{۶۵}. در آن از اسباب نزول، قرائت ها، اعراب، لغت و حقایق باطنی به تفصیل سخن گفته است^{۶۶}.

گزارش کتابهای علوم قرآنی قرن هشتم را در شماره دیگر می آوریم و برای همه جست و جوگران معارف قرآنی آرزوی توفیق می کنیم.

۱. نهاية الايجاز ودرایة الأعجاز، ص ۷۵.
۲. التفسیر الكبير، ۱۱۶/۲.
۳. نهاية الايجاز... دارالعلم للملایین ۱۴۰۶. کتاب فخرالدین رازی هماره مورد توجه عالمان و قرآن پژوهان بوده است. برخی از محققان معاصر به تحلیل و نقد آن پرداخته و جایگاه و اهمیت آن را در پژوهشهای بلاغی قرآنی روشن ساخته اند. بنگرید به: نهاية الايجاز (مقدمه) / ۶۸ به بعد؛ فخرالدین الرازی بلاغياً، ماهر مهدی هلال، ص ۹۵؛ فکرة أعجاز القرآن، ص ۹۹.
۴. فخرالدین الرازی و آراؤه الكلامیة والفلسفیة، محمد صالح الزرکان، ص ۵۷ و ۵۸.
۵. اسرار التنزیل... تحقیق محمود احمد محمد، باباعلی الشیخ عمر، صالح حمد عبدالفتاح.
۶. بینات، شماره ۷۲/۶.
۷. معجم الدراسات القرآنیة، ص ۹۹.
۸. وفيات الأعیان، ۳۷۰/۵.
۹. درباره او بنگرید به: معجم الأدبا، ۲۱۲/۱۹؛ وفيات الأعیان، ۲۶۹/۵؛ انباه الرواة، ۳/۳۳۹؛ معجم المؤلفین، ۱۵۱/۲، ۹/۴.
۱۰. نکت الهمیان فی نکت العمیان، ص ۱۷۸.
۱۱. چاپهای متعدد آن را بنگرید در البرهان فی علوم القرآن، ۱/۴۰۹ پانویس.
۱۲. درباره او و برای آگاهی از آثارش بنگرید به: وفيات الأعیان، ۲/۱۰۰؛ شذرات الذهب، ۷/۱۲۱؛ نکت الهمیان، ص ۱۷۹؛ تاریخ الأدب العربی، عمر فرّوخ، ۳/۴۶۷؛ معجم المؤلفین، ۲/۲۲۷.
۱۳. معجم الأدباء، ۱۷/۲۷۷؛ الوافی بالوفیات، ۲/۱۰۴؛ بغیة الوعاة، ۱/۲۵؛ معجم المؤلفین، ۳/۶۷.
۱۴. البرهان فی علوم القرآن، ۲/۲۲۲، در این کتاب نسخه خطی آن معرفی شده است.
۱۵. معجم المؤلفین، ۲/۲۲۷.
۱۶. درباره او بنگرید: سیر اعلام النبلاء، ۲۲/۱۵۶؛ شذرات الذهب، ۷/۱۵۵؛ النجوم الزاهرة، ۶/۲۵۶؛ معجم المفسرین، ۱/۳۰۴؛ معجم المؤلفین، ۲/۲۲۷.
۱۷. الحیاة الفکری فی العراق فی القرن السابع الهجری، ص ۲۵۲، به نقل از تلخیص مجمع الآداب.
۱۸. درباره او بنگرید به: طبقات الشافعیة الكبرى، ۵/۴۶؛ طبقات الشافعیة أسنوی، ۲/۴۴۶؛ معجم المؤلفین، ۳/۵۸۵؛ الوافی بالوفیات، ۴/۳۱۹.
۱۹. بغیة الوعاة، ۱/۱۸۴.
۲۰. الوافی بالوفیات، ۴/۱۸۲؛ صفدی عنوان کتاب دوم را «کتاب حرف فی علم القرآن» یاد کرده است. معجم المؤلفین، ۳/۵۲۳؛ فوات الوفيات، ۲/۲۴۳.
۲۱. درباره او بنگرید به: غایة النهایة، ۲/۳۱۰؛ بغیة الوعاة، ۲/۲۰۰؛ طبقات المفسرین، ۲/۳۳۲؛ معجم المفسرین، ۲/۶۸۵ و مقدمه «الفردی...».
۲۲. الفردی... قطر، دارالثقافة، ص ۱۴۱۱.
۲۳. الفردی، ج ۱، (مقدمه)، ص ۲۸.
۲۴. بینات، شماره ۷۶/۶.

- ٢٥ . نسخه های خطی آن را بنگرید در: البرهان فی علوم القرآن، ٧/٢ پانوشت؛ المورد، ٢٠٩/٤ .
- ٢٦ . معجم المطبوعات العربیة، ١٠٥١/١ .
- ٢٧ . البرهان فی علوم القرآن، ٢٠٦/١ پانوشت .
- ٢٨ . درباره او بنگرید به: سیر اعلام النبلاء، ٢٤٨/١٣؛ طبقات الشافعیة، ١٢٦/٥؛ بغیة الوعاة، ١٩٢/٢ .
- ٢٩ . البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن (مقدمه)، ص ١٩ .
- ٣٠ . التبیان... بغداد، مطبعة العانی، ١٣٨٣ .
- ٣١ . البرهان... بغداد، مطبعة العانی، ١٣٩٤ .
- ٣٢ . المجید... قاهره، دارالثقافة، ١٤١٠ .
- ٣٣ . درباره وی بنگرید به: طبقات الشافعیة الكبرى، ٣١٦/٨؛ شذرات الذهب، ٤٢٨/٧؛ بغیة الوعاة، ١١٩/١؛ طبقات الشافعیة، أسنوی، ١٢/٢؛ تاریخ الأدب العربی، عمر فروخ، ٥٧٠/٣ .
- ٣٤ . بديع القرآن (مقدمه)، ص ٥٧ .
- ٣٥ . تحرير التحبير... (مقدمه)، ص ٦٢ .
- ٣٦ . بديع القرآن... تقديم و تحقيق حفنى محمد شرف، نهضة مصر للطباعة والنشر، ١٩٥٧ .
- ٣٧ . الأعلام، ٢٠/٤؛ معجم الدراسات القرآنية، ص ٩٦؛ المورد، المجلد السابع، العدد الاول، ص ١٩٦ .
- ٣٨ . تحرير التحبير، ص ٨٠ .
- ٣٩ . الأتقان، ٣٥/١؛ ٣٦١/٣؛ ٥٥/٤ .
- ٤٠ . درباره ابن ابی الأصعب افزون بر مقدمه های کتابهای یاد شده بنگرید به: فوات الوفيات، ٢٩٤/١، تاریخ الأدب العربی، عمر فروخ، ٥٧٤/٣، الأعلام، ٣٠/٤ .
- ٤١ . معجم المؤلفين، ٩٠/٣؛ المورد، ج ٤، شماره ٢١١/١، مقاله «ذخائر التراث العربی فی مكتبة چستر بيتی» .
- ٤٢ . الأشاره الى الأيجاز...؛ مكتبة العلمية، مدينه، ١٣٨٢، دار البشائر الإسلاميه، بيروت، ١٤٠٨ .
- ٤٣ . البرهان فی علوم القرآن، ٩٥/٢، ١٣٥/٣ (پانوشت)؛ المورد، المجلد الرابع، العدد الأول، ص ١٧٧ .
- براساس آنچه در پانوشت طبقات الشافعیة، سبکی محققان نقل کرده اند، «فوائد» با عنوان «الفوائد فی شکل القرآن» چاپ شده است .
- ٤٤ . درباره وی بنگرید به: النجوم الزاهره، ٢٠٧/٧؛ طبقات الشافعیة، أسنوی، ١٩٧/٢؛ طبقات الشافعیة، سبکی، ٢٠٩/٨؛ فوات الوفيات، ٥٩٤/١ .
- ٤٥ . هدية العارفين، ١٢٧/٢؛ معجم المفسرين، ٤٧٨/٢ .
- ٤٦ . الأتقان، ٣/٤ و ١٦ .
- ٤٧ . درباره او بنگرید به: الوافي بالوفيات، ٢٠٨/١؛ النجوم الزاهره، ٢١٦/٧؛ شذرات الذهب، ٥٢٨/٧؛ معجم المؤلفين، ٦١٨/٣ .
- ٤٨ . كشف المحجة لثمره المهجه، ص ١٢٨ . و درباره وی بنگرید به: اعيان الشيعة، ٣٥٨/٨؛ مفاخر اسلام، ٥٨/٤؛ روضات الجنات، ٣٢٥/٤؛ نامه دانشوران، ١٦٢/١ .
- ٤٩ . درباره کتابخانه سيد بن طاووس و اهميت و چگونگی آن بنگرید به: کتابخانه ابن طاووس و احوال و

- آثار او، إتان گلبرک، مترجمان: سیدعلی قرائی، رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی، ۱۳۷۱. درباره سعدالسعود همان، صص ۹۵-۱۳۱؛ الذریعه، ۱۲/۱۸۲.
۵۰. طبقات الشافعیه الكبرى، ۵/۶۱؛ طبقات القراء، ۱/۳۶۶؛ التعریف بالمؤرخین، ۱/۸۴؛ معجم المؤلفین، ۲/۸۰.
۵۱. فهرست موضوعی نسخه های خطی، عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، ۱/۲۰۸.
۵۲. در سالمرگ رازی، در منابع شرح حال نگاری اختلاف است. ر.ک: معجم المؤلفین، ۳/۱۶۸؛ اعلام الدراسات القرآنیه فی خمسه عشر قرناً، ص ۲۲۷.
۵۳. رجال ابن داود، ص ۴۵؛ الحیاة الفکریه فی العراق فی القرن السابع الهجری، محمد مفید آل یاسین، ص ۲۵۸؛ و نیز بنگرید به: مقدمه محققانه آقای سیدعلی عدنانی غریفی به کتاب مهم دیگر مؤلف «بناء مقاله الفاطمیة فی نقض الرسالة العثمانیة».
۵۴. کشف الظنون، ۱/۳۳۱.
۵۵. هداية العارفين، ۱/۱۱۸.
۵۶. چاپهای دیگر آن را بنگرید در: البرهان فی علوم القرآن، ۲/۸۱ پانوشت.
۵۷. درباره وی بنگرید به: طبقات الشافعیه الكبرى، ۸/۳۹۵؛ النجوم الزاهره، ۷/۶۷۶؛ الدرّاس فی المدارس، ۱/۲۴ و کتاب ارجمند الامام النورّی وأثره فی الحدیث وعلومه، احمد عبدالعزیز قاسم الحداد، دارالبشائر الإسلامیة.
۵۸. قَرطاجنه به چند آبدی اطلاق شده است از جمله به شهرى در اندلس، حازم بن محمد منسوب به این شهر است. بنگرید به: الروض المعطار، ص ۴۶۲.
۵۹. الأتقان فی علوم القرآن، ۴/۱۰.
۶۰. بغية الوعاه، ۱/۴۹۱.
۶۱. فكرة اعجاز القرآن، ص ۱۱۰.
۶۲. همان.
۶۳. درباره او بنگرید به: بغية الوعاه، ۱/۴۹۱؛ شذرات الذهب، ۷/۶۷۶؛ معجم المؤلفین، ۳/۵۱۹.
۶۴. الدراسات القرآنیه، ص ۶۰۸؛ البرهان، ۲/۱۹۸ (پانوشت).
۶۵. الوافی بالوفیات، ۳/۱۳۷.
۶۶. درباره او بنگرید: الوافی بالوفیات، ۳/۱۳۶؛ طبقات المفسرین، ص ۱۰۰؛ النجوم الزاهره، ۸/۱۸۸؛ معجم المؤلفین، ۳/۳۳۲.

